

طنزنامه‌های آذربایجان

طنزنامه‌های آذربایجان که تحت تأثیر شدید انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، انتشار خود را آغاز کردند، از درخشان‌ترین صفحات تفکر اجتماعی و مرحله مهمی در پیشرفت مطبوعات و ادبیاتمان به شمار می‌آیند.

بخش بزرگی از مطبوعات قرن بیستم آذربایجان، دارای وجهه‌ای دموکراتیک است. مناسبات بورژوا - فئودالی، بی‌عدالتی اجتماعی، انتقاد از موهومات، نارضایی مردم از نظام موجود، اندیشه‌های آزادیخواهی، خواسته‌های مردم برای بهبود شرایط زندگی و غیره، فکر و اساس مطبوعات دموکراتیک را تشکیل می‌دهد.

طنزنامه‌ها بخش اعظم ارگانهای مطبوعات دموکراتیک هستند. از طنزنامه‌هایی که به زبان آذربایجانی درمی‌آمدند ملانصرالدین (۱۹۰۶ - ۱۹۳۱)، بهلول (۱۹۰۷)، زبور (۱۹۰۹ - ۱۹۱۰)، مرات (۱۹۱۰)، آری (۱۹۱۰ - ۱۹۱۱)، کلنیت (۱۹۱۲ - ۱۹۱۳)، لکلک (۱۹۱۴)، طوطی (۱۹۱۴ - ۱۹۱۷)، مزه‌لی (۱۹۱۴ - ۱۹۱۵)، بابای امیر (۱۹۱۵ - ۱۹۱۶)، تارتان پارتان (۱۹۱۸) و مشمل (۱۹۱۹ - ۱۹۲۰) موقعیتی دموکراتیک داشتند. همین روزنامه‌ها اساس تحقیقات ما را تشکیل می‌دهند، همزمان با آنها در آذربایجان به زبان روسی نیز طنزنامه‌های زیادی منتشر می‌شد، مانند دژیگیت، بای‌بای، آدسکاباچتا، بیچ، باکینسکی استرلی، بارابان و غیره. لازم به یادآوری است که هنگام حاکمیت حزب مساوات، روزنامه‌های خنده‌داری همچون شیور (۱۹۱۸ - ۱۹۱۹) و زبور (۱۹۱۹) بودند که ماهیتی ضدانقلابی داشتند و مدافع حاکمیت بورژوا - فئودالها بودند که بحث مفصل درباره آنها لزومی ندارد.

طنزنامه‌ها با انعکاس تضادهای اجتماعی قرن بیستم، امیال آزادیخواهی مردم و انتقاد از دنیای کهنه، از اسناد مهم به شمار می‌آیند. بسیاری از این روزنامه‌ها کوشیدند راه و روش روزنامه بسیار معروف ملانصرالدین را در پیش گیرند.

اوایل قرن بیستم، روزنامه ملانصرالدین در پیشرفت ادبیات و مطبوعات آذربایجان، نقش بی‌مانندی داشته است. ملانصرالدین که حاصل نخستین انقلاب روسیه بود، پرچمدار دموکراتیزم است. این روزنامه در سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ حوادث جهان شمول، جنبشهای آزادیخواهی مردم و نفرت توده‌های کارگر و روستایی را علیه تزارسیم و اربابان بورژوا - فئودال منعکس می‌کرد و در راه نیرو بخشیدن به شعور طبقاتی زحمتکش، فعالیت بسیار ثمربخش نشان می‌داد. سیاست فکری و هنری ملانصرالدین بیش از هر چیز، مردمی‌بودن و رئالیسم بود. ملانصرالدین در سایه ماهیت مترقی اندیشه‌هایش، زنده، بامزه، ساده بودن و جذابیت اسلوبش، روزنامه دوست‌داشتنی توده مردم بود.

ادبیات طنزآمیز قرن بیستم آذربایجان، نمایندگانی چون جلیل محمدقلی‌زاده، میرزاعلی‌اکبر صابر، عبدالرحیم حق‌وردی‌یف، ع. حاجی‌بگوف، عمر فائق نعمان‌زاده، ع. نظمی، غمگسار، محمدسعید اردوبادی، شمعچی‌زاده، مذب، عسگرزاده ایروانی (عاجز)، بایرامعلی (حال)، س. ممتاز، جعفر جبارلی و دیگران داشته است. ادبیات طنزآمیز قرن بیستم آذربایجان بیش از صد نویسنده داشت و به عبارت دیگر، اکثر نیروهای ادبی را در برمی‌گرفت. این ادبیات در زمینه شعر و نثر با مکتبهای ادبی ابداعی میرزاعلی‌اکبر صابر و جلیل محمدقلی‌زاده شکل گرفته و پیشرفت کرده است. طنز، در زمینه دراماتیک نیز با پیچودن راه رئالیسم انتقادی که اساسش را میرزا فتحعلی آخوندزاده نهاده، اوج گرفته است.

نخستین انقلاب مردم به هنگام حاکمیت امپریالیسم ۱۹۰۵، در همه زمینه‌های اندیشه اجتماعی، دگرگونی به وجود آورد. ادبیات بدیعی هدفهای انتقادی خود را بیش از پیش روشن کرد. در آن زمان پیشرفت طنز با پیدایش روزنامه‌های طنزآمیز کاملاً پیوستگی داشت. طنزنامه ملانصرالدین که از آوریل ۱۹۰۶ منتشر شد، در تاریخ ادبیات و به طور کلی در اندیشه اجتماعی، حادثه‌ای بزرگ محسوب می‌شود.

روزنامه ملانصرالدین به معنای واقعی کلمه، آینه مرحله‌ای تاریخی است که آن را «بیداری آسیا» نامیده‌اند. این روزنامه نه تنها در آذربایجان، بلکه در تمام خاورمیانه و خاور نزدیک به عنوان پرچمدار طنز سیاسی علیه استعمار، استبداد، عقب‌ماندگی اقتصادی و مدنی و ارتجاع شناخته شده بود.

طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان در پیشبرد ادبیات واقع‌گرا تأثیری مثبت داشتند. صدها اثر ارزشمند جلیل محمدقلی‌زاده، صابر، حق‌وردی‌یف، اردوبادی، نظمی و دیگران، نخستین بار در این روزنامه‌ها چاپ شد. جعفر جبارلی جوان دهها طنز در انتقاد از جهالت، عقب‌ماندگی مدنی و بی‌عدالتی اجتماعی در روزنامه بابای امیر چاپ کرد.

روزنامه طنزآمیز، باعث پیشرفت شگفت‌انگیز ادبیات سیاسی - مردمی طنزآمیز شد. در فضای

مبارزات کوبنده طبقاتی نیز طنزنامه‌ها با جلب توجه توده‌ها به مظاهر منفی حاکم و زندگی سراسر محرومیت مردم، آنان را به وسیله خنده بیدار می‌کردند و به مبارزه در راه کسب حقوق از دست رفته، فرا می‌خواندند.

در طنزنامه‌ها، کاریکاتور سیاسی جای گسترده‌ای داشت. مضمون صدها طرح که به دست طراحان معروفی چون عظیم عظیم زاده، روتر، شلینگ، بهو (نام مستعار طراح خلق گرجستان، تلین کاترین) برای طنزنامه‌های آذربایجان کشیده می‌شد، خیلی زود به توده‌های وسیع مردم می‌رسید. از نظر مضمون، در میان طنزنامه‌هایی که به زبانهای آذربایجانی و روسی در می‌آمد، نزدیکی بسیار وجود داشت. تقریباً طرحهای روزنامه‌ها را در هر دو زبان، همان طراحان می‌کشیدند. طراح اصلی روزنامه بارابان، عظیم عظیم زاده بود.

مکتب طنز ملانصرالدین به آذربایجان محدود نشد. در نتیجه تأثیر و روند سودمند آن، طنز نامه‌هایی چون اوکلارا، توپ، چوکوچ، آق ملا، بالت بولت، تانگ چولپان و غیره در ولگا، آسیای میانه، داغستان و طنزنامه‌هایی مانند آذربایجان، نسیم شمال، بهلول، کشکول، حشرات الارض و غیره در ایران منتشر گردید.

ملانصرالدین با گرد آوردن نویسندگان، طراحان و روشنفکران بزرگ در پیرامون مکتب روزنامه‌ای طنزی خویش، در مرحله پر مسئولیت جنبشهای آزادیخواهی، مردم را از نزدیک یاری می‌کرد. طنزنامه‌ها در راه «میلونی کردن ادبیات»، خدمت بی‌نظیری کرده‌اند.

انقلابیانی که در راه استقرار حاکمیت توده‌های زحمتکش مبارزه‌ای بی‌امان داشتند، تنها به خواندن طنزنامه‌ها اکتفا نمی‌کردند. عده‌ای از انقلابیان برجسته، ناشر و همکار نزدیک طنزنامه‌ها بودند. انقلابی معروف، علی عسگر علی‌یف، سردبیر بهلول بود و از خادمان معروف، داداش بنیاد زاده سردبیر آری و علی حیدر قاریف سردبیر نارتان پارتان و مشعل بودند.

دایره تأثیر طنزنامه‌ها و به طور کلی ادبیات طنزآمیز در قرن بیستم وسعت یافته بود. ملانصرالدین و دیگر ارگانهای طنزآمیز، به ویژه در خاورمیانه و خاور نزدیک، انتشار وسیعی داشت و در مطبوعات و ادبیات این مناطق تأثیر مثبت گذاشته بود. اما طنزنامه‌ها علیرغم ویژگیهای دموکراتیک و مترقی‌شان، گرفتار تضادهای مشخصی نیز بودند. به استثنای ملانصرالدین، دیگر ارگانهای طنز، گاهی در برابر حوادث مهم اجتماعی از موضع لیبرالی برخوردار می‌کردند و با روحیه سازشکارانه منتشر می‌شدند. بدون شک موضع‌گیری طنزنامه‌ها نیز با موضع طبقاتی همکارانشان بستگی دارد.

□

طنزنامه‌های آذربایجان و خلاقیت همکارانشان، پیش از انقلاب، از سوی برخی از نویسندگان و خادمان اجتماعی مورد تقدیر و تحسین واقع شده بود. فریدون کؤچرلی ادبیات‌شناس برجسته آذربایجان نخستین مقاله مثبت را درباره ملانصرالدین نوشت. او به این بسنده نکرد و با مقاله‌هایی جدی درباره میرزافتملی آخوندزاده و زبان آذربایجان در روزنامه ملانصرالدین چهره نمود.

نریمان نریمانوف در نوشته‌های سیاسی - مردمی خود، خدمات مترقیانه روزنامه ملانصرالدین را به دفعات خاطر نشان و آن را به پاس برجسته ساختن مسائل اجتماعی روز، تقدیر کرده بود. در مقاله‌ای

زیر عنوان «صحبث جمعه» که با امضای «نر» نوشته شده است، شوق عمیق وی را به آغاز انتشار ملانصرالدین به روشنی می‌بینیم. در «ارشاد» می‌خوانیم: «... ببینید چه کسانی خوانندگان شما خواهند بود؟ آنان دارای فرهنگ و معلوماتند یا این که مریدان ملانصرالدین؟ به هر حال سخنان و اندیشه‌های خود را طوری بنویسید که بفهمند و باور کنند. برای مریدان ملانصرالدین به زبان ساده و با مدنیت و فصاحت بنویسید...»

ملانصرالدین با انتشار نخستین شماره‌هایش دچار توقیف می‌شود. نریمان با شنیدن خبر توقیف آن نوشت: «... امیدواریم که این ماجرا در مجله درج شود. آفرین به چنین مأموران دقیق، آفرین به چنین حافظان قانون! نر».

نریمانوف در نوشته‌های چاپ‌شده‌اش در روزنامه‌های حیات و ارشاد، مرتب اشاراتی به ملانصرالدین دارد. ارشاد در طول انتشار خود، نگران نشر ملانصرالدین بود و به سال ۱۹۰۶ یعنی اوج بگیر و ببندها، نوشت: «ساعت ۱۰ صبح، ملانصرالدین را محاصره و سه ساعت تفتیش کردند». در همان هنگام، مطبوعات بلشویک نیز با علاقه‌ای ویژه، درباره توقیف روزنامه ملانصرالدین و همکاری‌اش از سوی نیروهای مرتجع، افشاگری می‌کردند.

روزنامه دعوت فوج در ۲۶ ماه مه سال ۱۹۰۶ در تفلیس، درباره تفتیش خانه عمر فائق نعمان‌زاده مطلبی چاپ کرده بود. پنج بار چاپخانه «عبرت» مورد تفتیش قرار گرفته بود و مقاله سیاسی «آزادی بیان و اجتماعات چرا لازم است؟» را توقیف کرده بودند. و این همه، اخبارش در روزنامه تکامل چاپ شده بود.

عزیر حاجی بیگوف^۱ از همکاران نزدیک ملانصرالدین بود و با نوشته‌های طنزآمیز سیاسی - مردمی خود، اندیشه‌های دموکراتیک و انقلابی را نشر می‌داد. در مقالات طنزآمیزش که زیر عنوان «از اینجا و از آنجا» و با امضای «فلانکس» چاپ می‌شد، مرتب از ملانصرالدین یاد می‌کرد. عزیر حاجی بیگوف با توجه به توقیف ملانصرالدین به خاطر روح انقلابی‌اش، نوشت: «... اکنون ملانصرالدین بیچاره، کنج زندان نشسته است و با خود فکر می‌کند که ارباب حکومت عجب از چیزهای سرخ می‌ترسند».

روزنامه ارشاد در شماره ۹۳ به سال ۱۹۰۶ خبر داد که شماره دوم ملانصرالدین به دلیل سرخ بودن رنگش از سوی پلیس توقیف شده است.

ملانصرالدین زبان گویای مردم بود و به همین سبب دچار توقیف و سانسور می‌شد. مطبوعات دیگر نیز میدان برخورد عقاید و آراء درباره طنزنامه‌ها بود. در مطبوعات روسیه آن زمان نیز مقالات زیادی درباره طنزنامه‌های آذربایجان چاپ می‌شد. بعضی از این مقالات با مسائل مطرح‌شده توسط طنزنامه‌ها، برخوردی یک‌جانبه داشتند.

بررسی مقالات، خاطرات و آثاری که معاصران صابر، پیش از انقلاب، درباره او نوشته‌اند، برای شناختن شخصیت این شاعر بزرگ، مکتب ادبی وی و دایره تأثیر آن لازم است. بیشتر این مطالب در

ملانصرالدین، گزشت، نجات، معلومات، بنی‌ارشاد، آجیق سؤز و سایر مجلات و روزنامه‌ها چاپ شده است. کتاب «صابر و معاصرانش»^۲ که به مناسبت صدمین سالگرد تولد او به چاپ رسید، از منابع خوبی است که زندگی و کار شاعر و همچنین همکاری گروهی از نویسندگان در طنزنامه‌ها و مسائل مربوط به این روزنامه‌ها را روشن می‌کند.

مقالات عباس صحت، یکی از معاصران صابر دربارهٔ او هنوز از اهمیت علمی برخوردار است. در سالهای ۳۰ - ۲۰ نخستین گامهای جدی در زمینهٔ فراگیری میراث ادب کلاسیک برداشته شد. در این سالها در زمینهٔ فراگیری میراث طنزپردازان قرن بیستم آذربایجان کارهایی شده بود. همراه با انتشار مجموعه آثار محمد قلی‌زاده، صابر، حق‌وردی‌یف، اردوبادی و نظمی، دربارهٔ آنان مقاله‌های جالبی نیز نوشته شد. در سال ۱۹۲۲ به مناسبت برپایی بنای یادبود صابر در باکو، مقالات و خاطراتی دربارهٔ او انتشار یافت. در سال ۱۹۳۶ به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد درگذشت صابر و سی‌سالگی روزنامهٔ ملانصرالدین، در مطبوعات مطلب زیادی چاپ شد. ع. ناظم و م. ک. علی‌اکبر برای نخستین بار، مکتب ادبی ملانصرالدین و خلاقیت نمایندگان برجستهٔ آن صابر و محمد قلی‌زاده را مفصل تحلیل کردند و در این راه کوشیدند. چاپ یک تک‌نگاری بزرگ در سال ۱۹۳۹ زیر عنوان «دموکرات بزرگ» اثر میرزا ابراهیموف، پیروزی بزرگی در زمینهٔ علم ادبیات شناسی بود. او برای نخستین بار، مکتب ادبی ملانصرالدین به ویژه خلاقیت جلیل محمد قلی‌زاده را در روند تاریخ پیشرفت ادبی تحلیل کرد. این محقق، برای مکتب ادبی ملانصرالدین به عنوان پیشروترین جارچی دموکرات در قرن بیستم ارج و ارزش فراوان قائل بود و به قضاوت‌های یک‌جانبه و مفرضانهٔ بعضی از جامعه‌شناسان ضربه‌های جدی زد. در اثر «دموکرات بزرگ»، برای نخستین بار، سیر مطبوعات آذربایجان تا ملانصرالدین، مورد تحلیل همه‌جانبه قرار گرفته و از جهت تاریخی به درستی نمایانده شده است.

۶۴

در سالهای ۱۹۴۰ - ۱۹۵۰، در زمینهٔ شناخت طنز و طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان کارهای برجسته‌ای انجام گرفت. ادبیات‌شناسان ما روی رساله‌های علمی خود در این مورد کار کردند و تک‌نگاری‌های بسیاری عرضه داشتند. تحقیقات پربارانهٔ پروفیسور جعفر خندان در شناخت میراث صابر ارزشمند است. او به سال ۱۹۴۰ یک تک‌نگاری دربارهٔ م. ع. صابر (زندگی و خلاقیت او) چاپ کرد. در سال ۱۹۶۲ دومین تک‌نگاری او تحت عنوان «بدعتها و بدایع صابر» منتشر شد. جعفر خندان علاوه بر اینها دهها مقاله به قصد شناخت زندگی و کار صابر نوشته است. اثر «بدعتها و بدایع صابر»^۳ گامی مهم در زمینهٔ صابر شناسی است. در این اثر، هنر شاعر به طور همه‌جانبه مورد تحلیل قرار گرفته و در عین حال جابه‌جا از تصاویر بدیعی طنزنامه‌های آذربایجان بحث کرده است.

نخستین آگاهیها دربارهٔ بسیاری از طنزنامه‌های آذربایجان در کتاب «منتخبات ادبیات آذربایجان در قرن بیستم» که جعفر خندان تنظیم کرده، داده شده است. در منتخبات، دربارهٔ مقالات طنزنامه‌هایی چون مژه‌لی، طوطی، زنبور، بابای امیر، کل‌نت، آذربایجان و غیره منابعی در اختیار خواننده قرار می‌گیرد.

تنظیم کننده در منتخبات همان گونه که انتظار می رود بیش از همه از روزنامه ملا نصرالدین و طنزپردازان برجسته اش نمونه به دست داده است. جعفر خندان در سال ۱۹۵۶ درباره روزنامه ملا نصرالدین کتاب کوچکی نیز منتشر کرد.

در شناخت طنز قرن بیستم آذربایجان، پروفیسور میرجلال خدمت برجسته ای کرده است. بخش اساسی رساله دکترای او زیر عنوان «مکتبهای ادبی آذربایجان» (۱۹۰۵ - ۱۹۱۷) به مسائل مهم طنز قرن بیستم اختصاص دارد. مؤلف، خط مشی ملا نصرالدین چیه‌ها را به عنوان برجسته ترین مکتب در تکامل ادبیات مترقی واقعگرا معرفی کرده است. پروفیسور میرجلال، ویژگیهای هنری مقالات طنزآمیز جلیل محمدقلی زاده و به طور کلی نثر او را با مهارت تشریح می کند.

مؤلف درباره طنزپردازانی چون م.ع. صابر، ج. محمدقلی زاده، ع. حق وردی یف، ع. نظمی و م. س. اردوبادی مقالات ارزشمند بسیاری دارد. او همچنین از مؤلفان بخش طنز آذربایجان در قرن بیستم در کتاب سه جلدی «تاریخ ادبیات آذربایجان» است.

تک نگاری م.ع. صابر از میراحمدوف که درباره زندگی و خلاقیت شاعر نوشته شده است، از نظر روشن کردن و تحلیل عمیق میراث فکری و بدیعی صابر، با آثار دیگر فرق دارد. میراحمدوف با گردآوری، چاپ و شناساندن مقالات ج. محمدقلی زاده از صفحات ملا نصرالدین کاری بس مهم انجام داده است.

ج. محمدقلی زاده در مقاله «وطن پرور آتشین و دموکرات انقلابی»، م. آقا میروف در مقالات «جهان بینی م.ع. صابر» و «دیدگاههای تربیتی م.ع. صابر» و سایر رساله های علمی، از م.ع. صابر دفاع کرده اند. در باره ج. محمدقلی زاده نیز رساله های علمی زیادی نوشته شده است. در رساله دکترای ع. شریف تحت عنوان «نخستین دوره زندگی و خلاقیت ج. محمدقلی زاده» (۱۸۶۶ - ۱۹۰۵) نخستین دوره شکل گیری زندگی و جهان بینی وی عمیقاً مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. م. محمدوف «در باره نثر ابداعی ج. محمدقلی زاده»، علی یف «الحاج ج. محمدقلی زاده؟» علی بیگ زاده «مبارزه ج. محمدقلی زاده در راه تکامل زبان بدیعی آذربایجان» را نوشته اند.

درباره مسائل طنز قرن بیستم آذربایجان، ع. شریف، م. ج. جعفروف، م. عارف، م. قاسم اوف، ک. طالب زاده و مؤلفان دیگر یک سری اثر چاپ کرده اند. م. قاسم اوف از رساله دکترای خود، درباره مسائل سیاسی اجتماعی روزنامه ملا نصرالدین دفاع کرده است. درباره ملا نصرالدین چیه های برجسته ای چون ع. حق وردی یف و م. غمگسار مدافعات علمی جالبی نوشته شده است.

یکی از فواید این آثار، یادآوریهای است در باب همکاری حق وردی یف و غمگسار در طنزنامه ها، در تک نگاری های کامران محمدوف تحت عنوان «ع. حق وردی یف»، «ق. ب. ذاکر» و «ن. وزیروف»، بعضی از مسائل طنز قرن بیستم آذربایجان مورد بررسی قرار گرفته است.

درباره طنزنامه های اوایل قرن بیستم آذربایجان آثار گسترده و کاملی نوشته شده بود. این اواخر آقایف از رساله خود در باره روزنامه ذنور دفاع کرده است. مقالات م. محمدوف درباره روزنامه آری و مقالات ق. محمدلی و محمدوف درباره روزنامه مشعل منتشر شده است. اما درباره سایر روزنامه های قرن بیستم آذربایجان مانند کل نیت، مزه لی، طوطی، بابای امیر، لک لک، و غیره هنوز تحقیقات جامعی صورت نگرفته است.

در سال ۱۹۶۶ به مناسبت صدمین سالگرد تولد جلیل محمدقلی‌زاده، درباره زندگی و کار این هنرمند بزرگ، ینش علمی، بیش از پیش گسترده شد. کتاب ملا نصرالدین اثر روزنامه‌نگار و محقق کهنسال، غ. محمدلی که در واقع ساشمارای است از زندگی و کار محمدقلی‌زاده، اثری ارزشمند است. در سالگرد تولد محمدقلی‌زاده انتشار کتاب «خطرات من در باره میرزا جلیل» اثر خانم حمیده محمدقلی‌زاده، نظر پژوهشگران و خوانندگان را به خود جلب کرد.

به طور کلی به مناسبت سالگرد تولد محمدقلی‌زاده، دهها مقاله و خاطره، صفحات مطبوعات را به خود اختصاص داد و تشکیل کانونهای علمی در زمینه شناخت جلیل محمدقلی‌زاده، گامی بزرگ به پیش بود.

در سالهای ۱۹۶۲ - ۱۹۶۷ آثار جلیل محمدقلی‌زاده از نو در سه جلد چاپ شد.

طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان به اعتبار مضمون خود و طرح مسائل اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت بین‌المللی است. به‌ویژه روزنامه ملا نصرالدین چنان فعالانه و از نزدیک در زندگی خاور نزدیک و خاور دور دخالت داشت که باید در سیر حوادث تاریخی این دوره، آن را به عنوان شاخه‌ای از اندیشه اجتماعی جهان در نظر گرفت و شناخت. مطبوعات و ادبیات در سرزمینهای دیگر به ویژه ایران، ترکیه، فرانسه، انگلستان، آلمان و متخصصان مطبوعات و ادبیات سایر کشورها با طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان و خلاقیت همکاران برجسته این روزنامه‌ها، از نزدیک آشنا می‌شوند و به نتایج بسیار جالبی می‌رسند و افکار خود را در مطبوعات جهان منتشر می‌سازند.

در کشورهای خارجی، درباره طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان و طنزآوران برجسته چنان کتابها و مقاله‌هایی نوشته شده است که در تحقیقات علمی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

دانشمندان خارجی در ارتباط با وضعیت اجتماعی - سیاسی سرزمین خود، جهان‌بینی‌های گوناگونی دارند. اینان در تحقیقاتشان راجع به طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان و همکاران برجسته‌اش همچون صابر و محمدقلی‌زاده، تصویر اوضاع خود را در آنها یافته‌اند. مثلاً دانشمندان ایران ضمن بحث از روزنامه ملا نصرالدین در وهله اول، کمکهای این روزنامه را به انقلاب ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ یادآور می‌شوند. به عنوان نمونه، می‌توان آثار سیداحمد کسروی تبریزی، مهدی‌ملک‌زاده، صدراشمی و بسیاری دیگر را مثال آورد. اینان در آثار خود، ضمن تصویر کردن تاریخ انقلاب، جا به جا در باره ملا نصرالدین و ملا نصرالدین چی‌ها نظرهای ارزشمندی ارائه داده‌اند.

در بعضی از منابع منتشرشده در ایران، راجع به طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان و نمایندگان ادبیات طنزآمیز، اطلاعات جامعی داده شده است. از آن میان می‌توان به آثار محمدعلی تربیت، علی‌اکبر دهخدا، عبدالرسول خیامپور و دیگران اشاره کرد. در منابع ترکیه هم در باره مطبوعات و ادبیات قرن بیستم آذربایجان و نمایندگان آن به ویژه صابر، بحثها و آرای زیادی می‌توان یافت. در نظریات کوپرلو، قدری، رفیع‌اوغلو، قوسا، آتش، جمغراوغلو، اوجاباش و سایر دانشمندان ترک، راجع به طنزآوران قرن بیستم آذربایجان، اندیشه‌های ارزشمند و گوشه‌های جالبی وجود دارد.

در منابع اروپای غربی نیز آثار زیادی درباره طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان یافت می‌شود. منابع انگلیسی و فرانسوی در بحث از ملانصرالدین پیش از هر چیزی تأثیر آن را بر طنز سیاسی ایران و نیز آسیای میانه و مطبوعات طنزآمیز خلق‌های مناطق ولگا بررسی کرده‌اند. دانشمندان فرانسوی آ. بنیکسن^۴، س. کلکژه^۵، دانشمند لهستانی و. زویانچکوسکی^۶، دانشمند انگلیسی ا. براون^۷، دانشمند آلمانی و. براندس^۸ و دیگر متخصصان اروپای غربی در باره مطبوعات و ادبیات طنزآمیز قرن بیستم آذربایجان، تفکرات مهمی دارند.

ادامه تحقیقات گسترده درباره طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان، بر اساس منابع اولیه و موازین ادبیات علمی به شناخت عمیق و همه‌جانبه تاریخ مطبوعات و ادبیاتمان کمک خواهد کرد. مؤلف با درک چنین نیازی و به قصد روشن کردن تاریخ مختصر طنزنامه‌های قرن بیستم آذربایجان، موضوع، نوع، مسائل و علائق ادبی و دایره تأثیرشان، اثری تک‌نگارانه نوشته است که بی‌شک در کارش کاستیهایی وجود دارد. از دوستانی که با نظرهای اصلاحی خویش، مرا در رفع این کاستیها یاری خواهند کرد، پیشاپیش تشکر می‌کنم.



منبع:

۱. «طنزنامه‌های آذربایجان»، نوشته ناظم آخوندوف

برگردان به الفبای فارسی: غ. / سهری - انتشارات فرزانه - تهران

۱. برای شناخت بیشتر این هنرمند به کتاب «عزیر و دو انقلاب» رحیم رئیس‌نیا مراجعه کنید - م.

۲. کتاب «صابر و معاصرین او» گردآورده عباس زمانوف به ترجمه اسد بهرنگی در آمده است - م.

۳. این عنوان را از نام کتاب «بدعتها و بدایع نیمایوشیچ، الر اخوان ثالث وام گرفته‌ام - م.

4. A. Benniksen

5. C. Kelkege

6. V. Zajanchkovski

7. E. Brawn

8. V. Brands